

شاخص‌های دینداری

مهناز قدرتی قره‌قشلاقی*

مهدی مهریزی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بیان «شاخصه‌های دینداری در روایات» با رویکردی درون دینی به ارائه ویژگی‌ها و نشانه‌هایی می‌پردازد که یک فرد مؤمن و معتقد به اسلام باید آنها را دارا باشد. برای رسیدن به این مقصود، از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت استفاده شده و عناصری که در روایات، شاخص دینداری معرفی شده‌اند، استخراج گردیده است. با عرضه عادات و رفتارهای هر شخص به این شاخص‌ها میزان پایبندی و یا عدم پایبندی او به فرامین اسلامی آشکار خواهد گردید. کلید واژه‌ها: دینداری، شاخصه‌های دینداری، اسلام، ایمان، دین، شیعه.

درآمد

ارزیابی و سنجش یکی از ارکان اصلی و اساسی برای دستیابی به رشد و کمال و رسیدن به اهداف است. برای سنجش و ارزیابی، ملاک و معیار و به تعبیر دیگر شاخص‌هایی لازم است تا نسبت به آن وضعیت مورد ارزیابی روشن گردد.

یکی از مباحثی که امروزه برای جوامع اسلامی و حکومت‌های مبتنی بر دین اسلام، بویژه جمهوری اسلامی ایران مطرح است، چگونگی سنجش دینداری افراد و جامعه است. برای پی بردن به موقعیت حکومت دینی، تلاش مبلغان و عالمان دینی، نهادهای فرهنگی و ارزیابی کار آنان، سنجش دینداری افراد و جامعه لازم است تا معلوم شود جامعه در کدامین پله کمال قرار دارد. و برای سنجش دینداری افراد و جوامع باید شاخص‌هایی در دست داشت تا بتوان این ارزیابی را انجام داد. از آنجا که دینداری فرد و جامعه برگرفته از دین است، شاخصه‌های آن نیز باید از دین گرفته شود.

کمی سازی دین و سنجش دینداری به دنبال روش‌های متبع در علوم اجتماعی همپای تولد روانشناسی علمی، بویژه به عنوان یکی از موضوعات مهم روانشناسی دین بیش از یک سده از عمر آن

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سلماس.
** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات.

نمی‌گذرد^۱. لذا دانشمندان روانشناس با زمینه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت، شاخص‌های متعددی را مورد توجه قرار داده‌اند که از جمله مقیاس‌های پیترهیل و رالف هود در کتاب *معرفی مقیاس‌های دینی*^۲، همچنین مقالات علمی و پژوهشی «مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی» است.

بنا بر این، با توجه به پژوهش‌های فوق در این مقاله سعی شده است تا عناصری که در روایات به عنوان شاخص برای دینداری بیان شده، از کتب روایی (شیعه و اهل سنت) استخراج و معرفی گردد، تا با سنجش فرد و جامعه با آن مقیاسها، میزان نزدیکی و دوری با بهره‌مندی و عدم بهره‌مندی از آنها به دست آید. به عبارت دیگر، بر اساس شاخصه‌های ذکر شده در روایات و به نسبت آنها، میزان دینداری افراد چقدر و تا چه میزانی است.

برای پی بردن به شاخص‌ها باید مؤلفه‌های دینداری در حوزه اعتقادی اخلاقی و رفتاری استخراج گردد و سپس نسبت میان این سه حوزه و نسبت میان اجزای هر حوزه تعیین گردد تا بتوان به شاخص دست یافت.

برای پی بردن به مؤلفه‌های دینداری و نیز تعیین رتبه هر کدام، از راه‌های متعددی باید استفاده گردد؛ چرا که این مسأله در متون دینی به وضوح تبیین نشده است. این راه‌ها به اختصار عبارت‌اند از:

۱. تکرار،
 ۲. حصر،
 ۳. ثواب و عقاب،
 ۴. مقدمه و ذی المقدمه،
 ۵. تفضیل،
 ۶. استفاده از واژگان کلیدی مربوط به اسلام، ایمان، دین، شیعه.
- اینک شرح اجمالی این محورهای ششگانه:

تکرار

یکی از اصول و قواعد رتبه‌بندی تکرار است؛ چرا که بیان مکرر و بازگویی متعدد و پی در پی هر چیزی در واقع نشانه تأکید بر اهمیت آن مطلب یا مسأله است.

بدین جهت، برای درجه‌بندی بین شاخصه‌های دینداری به قاعده تکرار توجه نموده و مؤلفه‌ها را نسبت به همدیگر از لحاظ تکرار و مکرر بیان شدن آنها مورد مقایسه قرار می‌دهیم تا جایگاه آنها نسبت به همدیگر مشخص و معین گردد؛ به عنوان مثال، وقتی به روایات ائمه: در زمینه عمل به ایمان - که یکی از مؤلفه‌های دینداری است - مراجعه می‌کنیم، روایات فراوانی را در این زمینه از روایان زیادی تحت عناوین متفاوتی، از جمله «ایمان، ایمان و اسلام، دعائم‌الایمان، حقیقه‌الایمان، ارکان‌الایمان...» نقل شده است که بر همراهی ایمان و عمل تأکید دارند.

1. پیتر هیل و رالف هود، *معرفی مقیاس‌های دین*، ترجمه و تلخیص آذربایجانی، مسعود و موسوی، سید مهدی، ص ۷.
2. Scales of Religious Beliefs and Practices.

امام صادق، از پدر بزرگوارش، از پیامبر: نقل می‌کنند که ایمان را عبارت از قول و عمل دانسته‌اند.^۳ همین تعریف را عبد الله بن میمون، با همان سند، از پیامبر نقل می‌کنند و در جای دیگر همین مفهوم را با عبارتی متفاوت محمد بن مسلم از امام صادق و امام باقر نقل کرده‌اند. و در روایات دیگری، ایمان را علاوه بر شناخت با دل و گفتن به زبان، عمل به ارکان توصیف نموده‌اند؛^۴

بنا بر این، با توجه به مطالب فوق - که بر همراهی ایمان و عمل تأکید دارند - می‌توان نتیجه گرفت که عمل نه تنها جزئی از ایمان و از مؤلفه‌های اصلی و ریشه‌ای آن است و ایمان یک رابطه ناگسستنی با عمل دارد، بلکه فراتر از آن، این دو علت و معلول یکدیگرند و طبق فرموده پیامبر اکرم ایمان بدون عمل و عمل بدون ایمان معنا و مفهوم پیدا نمی‌کند.^۵ مؤید مطلب فوق، این که در قرآن کریم هر جا سخن از ایمان است، بلافاصله عمل صالح بر آن عطف شده است؛ از جمله:

﴿وَيُشِرُّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾^۶

بدین جهت، ائمه در روایات مختلفی منکران آن، یعنی مرجئه را که قایل به قول بدون عمل هستند لعن کرده‌اند.^۷

حصر

حصر - که به آن قصر نیز گویند - چیزی را به طور مخصوص به چیز دیگر اختصاص دادن است و به عبارت دیگر، اثبات حکم برای مذکور نفی آن از غیر او.^۸ مانند کلام امیر المؤمنین که می‌فرمایند:

لا تكمل المكارم إلا بالعفاف والايثار؛^۹

مکارم اخلاق جز با پاکدامنی و ایثار و از خود گذشتگی تکمیل نمی‌شود.

در روایت فوق، با استفاده از حروف نفی و استثناً (لا و الا) تکمیل شدن مکارم اخلاق در دو شاخصه دینداری، یعنی پاکدامنی و از خود گذشتگی محصور شده است، ولی از آنجا که حصر موجود، حصر حقیقی نیست، مانند «لا اله الا الله» تا بدین وسیله تکمیل شدن نیکی‌ها را صرفاً در آن دو مشخصه منحصر کرده و فقط به آنها اختصاص بدهیم، بدین جهت آن دو از اجزای اصلی تکمیل کننده مکارم محسوب می‌شوند که مؤید آن بیانات امام علی هست که فرمود:

3. رسول الله: «الإيمان قولٌ وعمل لا يزيد ولا ينقص» (کنز العمال، ص ۲۶۰).

4. عنه: «الإيمان معرفد بالقلب وقول باللسان وعمل بالأركان» (کنز العمال، ج ۱، ص ۲۳، ج ۳).

5. بحار الأنوار، ج ۶۶ ص ۶۶ ح ۱۴؛ كنز العمال: ج ۱، ص ۳۶، ح ۵۹.

6. سورة بقره، آیه ۲۵.

7. الإمام الصادق: «ملعون ملعون من قال الإيمان قول بلا عمل» (وسائل الشيعة: ج ۱۶، ص ۲۸۰، ح ۲۱؛ بحار

الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۹، ح ۱).

8. الإتيقان في علوم القرآن.

9. غرر الحكم: ص ۲۵۶، ح ۵۴۱۸.

بِالْعَافِ تَزَكُوا الْأَعْمَالُ؛^{۱۰}

عفاف باعث پاکیزه شدن اعمال می‌شود.

چرا که بدون مهار نفس و تهذیب اخلاق در پرتو تعالیم دینی نمی‌توان به مکارم اخلاق نایل آمد که فلسفه بعثت پیامبر خاتم است:

11 **أَمَّا بَعَثَ لِأَنَّ تَمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.**

ثواب و عقاب

انسان‌ها با توجه به بینش و نگرش خود به نظام هستی، از صفات و ویژگی‌هایی برخوردار هستند که متون دینی (قرآن و حدیث) برخی از این صفات را به عنوان فضیلت اخلاقی و از بعضی دیگر به عنوان ردیلت اخلاقی یاد کرده‌اند. و در پی هر فضیلتی با توجه به نقش و تأثیر آن در رسیدن به کمال که هدف نهایی دینداری است، ثوابی را بر شمرده‌اند؛ همچنان که ردایلت اخلاقی را مذمت نموده و با توجه به نقش آنها در سلب دینداری عقابی بر آنها معین و مشخص نموده‌اند.

مؤید آن، آیات قرآن کریم است که انسان‌ها را با توجه به نوع عملکردشان (خوب و بد) به دو گروه متقابل: مؤمنان و مشرکان، أصحاب الجنة وأصحاب النار، أصحاب الیمین و أصحاب الشمال تقسیم کرده و برای هر گروه، با توجه به نوع عمل و میزان آن، ثواب یا عقابی بیان کرده‌اند؛ به عنوان مثال از نظر قرآن کریم «صبر» به عنوان یک شاخصه ایجابی تنها فضیلتی است که پاداش بدون حساب دارد؛ لذا می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^{۱۲}

جز این نیست که اجر صابرین بی حساب تمام و کامل است.

که به وسیله ادات حصر «انما» اجر بدون حساب را فقط به صابران اختصاص داده است.

من صبر نال بصبره درجة الصائم القائم و درجة الشهيد الذی قد ضرب بسيفه قدام

13 **محمد .**

و امام باقر می‌فرمایند:

صابر با صبر خود به درجات صائمین و قائمین و شهدای رکاب پیامبر اکرم می‌رسد.

بنا بر این، با توجه به آیات و روایات مذکور و ثواب‌هایی که برای صابران بر شمرده‌اند، صبر از اجرای اصلی تشکیل دهنده هویت ایمان است. اما نقطه مقابل آن، کسی است که خویش‌تنداری نکرده و در مقابل خواهش‌های نفسانی خود صبر پیشه نکند و اعمال سلبی [دینداری] را از جمله شراب خواری

۱۰. همان، ص ۲۵۶، ج ۵۴۲۲.

۱۱. برانگیخته شده‌ام تا فضایل اخلاقی را به سر حد کمال برسانم (کنز العمال، ۵۲۱۷، ج ۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷، ج ۱۲۷۰۱).

۱۲. سوره زمر، آیه ۱۰.

۱۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۰، ج ۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۴۹، ج ۱۵۹۰۶.

انجام دهد که از آن به فتح الشیطان «تله شیطان» یاد کرده‌اند.^{۱۴} به فرموده رسول خدا چهل روز نمازش پذیرفته نمی‌شود:

إِنَّ مِنْ شَرِّبِ الخمر لم تحسب صلاته أربعين صباحاً.¹⁵

پس انجام مکاره و عدم اجتناب از خواهش‌های نفسانی از عوامل اصلی سلب دینداری محسوب می‌شود. با توجه به مطالب مذکور، ثواب و عقاب نه تنها یک عامل و محرک قوی هستند که ما را بر انجام اعمال نیک و ارزایی صحیح آنها و محاسبه تشویق می‌کنند - که در روایات اسلامی بدان تأکید فراوانی شده است^{۱۶} - بلکه می‌توانند میزانی برای رتبه‌بندی و درجه‌بندی بین شاخصه‌های دینداری نیز باشند.

مقدمه و ذی المقدمه

بعضی از روایات، نشانگر این هستند که برخی از مشخصه‌های دینداری مقدمه یا مقدماتی برای هدفی هستند که آن را ذی المقدمه یا غایت نامیده‌اند.^{۱۷} محقق شدن ذی المقدمه وابسته و مشروط به مهیا شدن مقدمه است؛ چرا که فلسفه وجودی مقدمه و حکمت و غرض از آن، مسأله توصل و وسیله‌سازی و رسیدن به ذی المقدمه و حصول آن است^{۱۸}؛ به عنوان مثال، پل برای عبور از رودخانه است و تا هنگامی که مقدمه مهیا نباشد، ذی المقدمه یا غایت محقق نمی‌شود.

در بین شاخصه‌های دینداری نیز چنین اصولی حاکم است؛ به عنوان مثال «وضو» مقدمه برای «نماز» است که هر دو از احکام دین و از شاخصه‌های دینداری هستند، ولی طبق قانون «مقدمه و ذی المقدمه» انجام یکی مشروط به عمل کردن به دیگری است؛ یعنی اقامه نماز - که از آن به ستون دین^{۱۹} و رأس اسلام^{۲۰} یاد می‌شود - مشروط به طهارت است و تا هنگامی که وضوی کامل و صحیح گرفته نشود، اقامه نماز امکان‌پذیر نیست و در صورت اقامه، باطل است؛ همچنان که امام باقر فرمودند:

لا صلاة إلا بطهور.²¹

تفضیل

استفاده از واژه‌های تفضیلی از جمله: (أحسن، أكمل، أوثق، یا أدین) و امثال اینها در بیان مطلبی نه تنها نشانگر اهمیت آن مطلب است، بلکه بر مرجح بودن و برتر بودن آن نسبت به سایر مسائل تأکید می‌ورزد؛ به عنوان مثال، امام علی در بیان کمال ایمان، واژه‌های «أکملکم» و «أحسنکم» را - که بر وزن أفعال تفضیل هستند - به کار برده‌اند:

۱۴. نور الثقلین.

۱۵. الکافی، ج ۶ ص ۴۰۲، ح ۱۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۸۰، ح ۳۱۹۱۱.

۱۶. عنه: «حاسبوا أنفسكم قبل أن تُحاسبوا ورتبوا قبل أن تُرتبوا...» (وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۹۹، ح ۲۰۸۱۲).

۱۷. اصول الفقه، ج ۲، ص ۳۵۰ - ۳۵۴؛ کفایة الأصول، ج ۱، ص ۶۰۹.

۱۸. کفایة الأصول: همان.

۱۹. رسول الله: «الصلاة عماد الدين»؛ «الصلاة قبتها رأس الإسلام» (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۸، ح ۳۱۱۵؛ أعلام

الدين، ص ۱۹۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۴۶۱).

۲۰. تحف العقول، ص ۲۵.

۲۱. التهذيب، ج ۲، ص ۱۴۰؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۹۸۱؛ كشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۳۱.

أكملکم ایماناً أحسنکم خلقاً^{۲۲}

و این بدان معناست که اخلاق نیکو باعث کامل تر شدن ایمان نمی‌شود، بلکه اخلاق نیکوتر داشتن عامل کمال ایمان است.

تعابیر (واژگان کلیدی مربوط به اسلام، ایمان، دین، شیعه)

یکی دیگر از اصول و قواعدی که به وسیله آن می‌توان شاخصه‌های دینداری و اهمیت آنها را نسبت به یکدیگر سنجید، نوع نگاه و تعبیری است که در کتاب و سنت نسبت به آنها وجود دارد که بعضی از این تعابیر ایجابی و بعضی دیگر سلبی هستند.

در این نوشته بر اساس دو طریق پنجم و ششم - که بیشترین نقش در استخراج شاخصه‌ها دارند - حرکت می‌کنیم و برای دسترسی به روایات از واژگان کلیدی: اصل، اساس، ملاک، رأس، عماد، عمود، قواعد، نظام، دعائم، ثمره، آفت، ارکان، اوثق، افضل، کمال، اول، آخر، نصف و اهل استفاده می‌کنیم.

استخراج شاخصه‌ها از روایات

جمع‌آوری احادیث شاخصه‌های دینداری ذیل چهار واژه «اسلام، ایمان، دین، شیعه» از جمله مواردی است که بدان پرداخته شده است. لذا برای نیل به این مقصود، با استفاده از کلید واژه‌های که قبلاً ذکر گردیده است، روایات مربوطه استخراج و دسته‌بندی شده است. برای جمع‌آوری شاخصه‌های دینداری از روایات اسلامی ذیل واژه «اسلام» از واژگان کلیدی، از جمله: دعائم الإسلام، قواعد الإسلام، أصل الإسلام، رأس الإسلام، ملاک الإسلام، أساس الإسلام، جوامع الإسلام، أحسن المسلمین، أفضل الإسلام، حقیقة الإسلام و کمال الإسلام، درجات الإسلام، آفة الإسلام استفاده شده، که توضیحات کلمات فوق قبلاً ذکر شده است.

- ۱ - ۱. أصل الإسلام^{۲۳} (ریشه اسلام)،
- ۱ - ۲. رأس الإسلام^{۲۴} (منشأ اسلام)،
- ۱ - ۳. ملاک الإسلام^{۲۵} (معیار اسلام)،
- ۱ - ۴. أساس الإسلام^{۲۶} (بنیاد اسلام)،

۲۲. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۵۲، ح ۱۵۹۲۴.

۲۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵، ح ۱۲۳۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۹، ح ۲۰؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۴۳.

۲۴. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۷، ح ۲۰؛ غرر الحکم، ص ۲۵۱، ح ۵۲۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۲۸، ح ۳۳؛ تحف العقول: ۲۵.

۲۵. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۸۲، ح ۲۲ و ج ۶۵، ص ۳۷۹، ح ۲۷ و ج ۷۴، ص ۱۵۸، ح ۱۳۱؛ الأملی للطوسی: ص ۸۴، ح ۱۱۲۶؛ تحف العقول: ص ۵۸؛ غرر الحکم: ص ۲۱۸، ح ۴۳۱۸.

۲۶. الکافی، ج ۲، ص ۴۶؛ الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۸۱ و ج ۹۹، ص ۱۸۷؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴؛ غیبة النعمانی، ص ۲۱۸، ح ۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷، ح ۳۲.

- ۱ - ۵. قواعد الإسلام^{۲۷} (پایه‌های اسلام)،
28
- ۱ - ۶. دعائم الإسلام ،
29
- ۱ - ۷. کمال الإسلام ،
- ۱ - ۸. جوامع الإسلام^{۳۰} (فشرده اسلام)،
- ۱ - ۹. أحسن المسلمین إسلاماً^{۳۱} (بهترین مسلمانان)،
- ۱ - ۱۰. أفضل الإسلام^{۳۲} (برترین اسلام)،
33
- ۱ - ۱۱. درجات الإسلام ،
- ۱ - ۱۲. من هو المسلم؟^{۳۴} (مسلمان کیست؟)،
- ۱ - ۱۳. من ليس بمسلم^{۳۵} (کسی که مسلمان نیست)!

۲۷. بحار الأنوار، ج ۶۵ ص ۳۸۱، ح ۳۱: تحف العقول، ص ۱۹۶.
۲۸. الکافی، ج ۲، ص ۳۱، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۹، ح ۱۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۷۱، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۲۷۱، ص ۱۰، ح ۶۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۳، ح ۳۴؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۲۱؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۵، ح ۱۹؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۹، ح ۲۸ - ۲۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۵ ص ۳۸۶، ح ۳۴؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۴۲۸؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۵ ص ۳۳۲، ح ۱۰؛ ج ۷۹، ص ۲۳۴، ح ۵۹؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۴۳۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۱، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۸۹، ح ۳۵؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۷، ح ۱۸ بدون ذکر لفظ الولاية؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۶۶، ح ۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۵ ص ۳۴۴، ح ۱۶؛ شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۱۹۱؛ نهج البلاغة، خطبه ۳۱۳؛ مشکاة الأنوار، ص ۸۴؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۰۵.
۲۹. بحار الأنوار، ج ۶۴ ص ۲۹۶، ح ۲۰؛ الأمالی للطوسی، ص ۷۳؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۵۰؛ المحاسن، ج ۱، ص ۸، ح ۲۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶، ح ۶۲؛ ح ۲۰۹۸.
۳۰. بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۴۹، ح ۷۱۰ و ج ۷۴، ص ۳۹۲، ح ۱۱؛ الأمالی للطوسی، ص ۳۹، ح ۳۱.
۳۱. غرر الحكم، ص ۸۳، ح ۱۳۲۴؛ کنز العمال، ج ۴، ص ۳۱۲، ح ۱۰۶۵۸؛ غرر الحكم، ص ۸۴، ح ۱۲۵۴.
۳۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۵۸، ح ۲۲۸ و ج ۷۲، ص ۵۳، ح ۱۲؛ الأمالی للطوسی، ص ۲۷۱، ح ۵۰۵؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۳۸، ح ۷۶؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۶۵، ح ۶۴ و ۶۵؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۱۲.
۳۳. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۱۱۲۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۶ ص ۱۹۶، ح ۱۱؛ اعلام الدین، ص ۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۵ ص ۳۸۰، ح ۳۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۹، ح ۵؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۳۳، ح ۴۳ و ج ۲۹، ص ۳۱.
۳۴. بحار الأنوار، ج ۶۴ ص ۶۰، ح ۳ و ج ۶۴ ص ۳۰۲، ح ۳۱؛ اعلام الدین، ص ۱۱۰؛ صفات الشیعة، ج ۲، ص ۴۳۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۰۴، ح ۱۶۰۹۴؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۷۴۵؛ همان، ج ۳، ص ۷۴۲؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۷۹، ح ۱۶۳۰۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۲، ح ۱۰۱۴۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۷۹، ح ۱۶۳۰۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۱، ح ۱۰۱۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۴۶۲، ح ۴۰۲ و ص ۵۹۵، ح ۴۷۴؛ الإختصاص، ص ۲۷؛ الأمالی للطوسی، ص ۱۰، ح ۱۳؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۴۹، ح ۷۴۳.
۳۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵، ح ۱۵۹۷؛ غرر الحكم، ص ۴۶۰، ح ۱۰۵۲۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵؛ التهذیب، ج ۶ ص ۱۷۵، ح ۲۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۵۰، ح ۲۰۱۶۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۳۷، ح ۲۱۷۰۲؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۱، ح ۴۳۷۰۶؛ غرر الحكم، ص ۴۵۶، ح ۱۰۴۰۹.

برای جمع‌آوری شاخصه‌های دینداری از روایات اسلامی ذیل واژه «ایمان» از واژگان کلیدی از جمله: «اصل ایمان، حقیقه ایمان، أفضل ایمان، کمال ایمان، ما یثبت ایمان، نصف ایمان، درجات ایمان، رأس ایمان، أركان ایمان، أفة ایمان، صفات المؤمنین» استفاده شده است.

36

۱- ۲. أصل ایمان ،

37

۲- ۲. رأس ایمان ،

۲- ۳. أركان ایمان^{۳۸} ،

39

۲- ۴. حقیقه ایمان ،

۳۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۹؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۶۶؛ عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۵؛ غرر الحكم، ص ۸۷، ج ۱۴۴۱؛ غرر الحكم، ص ۸۷، ج ۱۴۴۴.
۳۷. الخصال، ج ۱، ص ۳۱۵، ج ۶۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۵، ج ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۵۷، ج ۳۵۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۶۸؛ غرر الحكم، ج ۲۸۰، ص ۶۲۱۴؛ غرر الحكم، ص ۲۱۸، ج ۴۳۱۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۷۳، ج ۱۲۹۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۶، ج ۶؛ غرر الاحکم، ج ۱۷۰۴؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۱۴، ج ۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶، ج ۱؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۱۳؛ معانی الأخبار، ص ۳۹۳.

۳۸. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۲، ج ۱۱، ص ۱۸۸؛ ج ۷۴، ص ۱۷۹؛ ج ۷۵، ص ۳۳۸؛ أعلام الدین، ص ۳۳۴؛ قرب الإسناد، ص ۱۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۵، ج ۲۸؛ ج ۷۴، ص ۱۷۲، ج ۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۶۰، ص ۲۴۸، ج ۱۹.

۳۹. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۳؛ ج ۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۵۸ و ج ۲، ص ۵۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۵۴؛ تحف العقول، ص ۲۰۷؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۵، ج ۱۲؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۲، ج ۹۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۸، ج ۵۲۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۲، ج ۲۶؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۵، ج ۱۱ (در کنز العمال به جای خلص، وقر آمده)؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۱۴ و ج ۶۷، ص ۱۰۶؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۰۵؛ خصال، ج ۱، ص ۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۴، ص ۳۱۴ و ج ۱۰۰، ص ۳۷؛ غرر الحكم، ص ۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۶۸ و ج ۱۰، ص ۲۲۸؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۸؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۳؛ ج ۱۲۶۰ - ۴؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۳؛ ج ۲؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۴، ج ۴؛ غرر الحكم، ص ۸۷، ج ۱۴۴۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۱۳ و ج ۱۱، ص ۳۰۸؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۵۹؛ مشکاة الأنوار، ص ۲۰۰؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۰، ج ۸۸؛ غرر الحكم، ص ۸۷، ج ۱۴۴۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۵۲، ج ۱؛ التوحید، ص ۳۷۱؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۳۶، ج ۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۵۳؛ تحف العقول، ص ۴۸؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۳۶، ج ۶۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۲۶؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۶؛ مشکاة الأنوار، ص ۳۹؛ معانی الأخبار، ص ۱۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۵۲؛ تحف العقول، ص ۳۶۹؛ طرائف، ج ۱، ص ۲۴۴، ج ۳۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۲، ج ۱۰۷؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۱، ج ۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۳۳؛ المؤمن، ص ۳۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۰، ج ۴۱۳؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۲۰۴؛ الکافی، ج ۸، ص ۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۱۷؛ الکافی، ج ۲، ص ۷۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۲۷؛ البحار، ج ۱، ص ۱۵۰؛ تحف العقول، ص ۳۶۹؛ الزهد، ص ۲۳؛ مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷؛ الأمالی للطوسی، ص ۳۶؛ الأمالی للمفید، ص ۳۷۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۲۵، ج ۱۵۸۳۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۷۷، ج ۱۳۵۶؛ شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۴۷؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۰، ج ۸۷ و ج ۴۱، ص ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۰، ج ۴؛ ج ۶۸، ص ۸۵، ج ۲۹؛ قرب الإسناد، ص ۴۹؛ الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۸۷، ج ۱۲۸۸؛ ص ۴۸۸، ج ۱۲۸۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۳، ج ۱۰۰۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۸، ج ۳۵.

- ۲- ۵. أفضل الإيمان⁴⁰ ،
 ۲- ۶. كمال الإيمان⁴¹ (ایمان كامل)،
 ۲- ۷. ما يثبت الإيمان⁴² (عوامل استوار شدن ایمان)،
 ۲- ۸. نصف الإيمان⁴³ ،
 ۲- ۹. درجات الإيمان⁴⁴ ،
 ۲- ۱۰. أوثق عرى الإيمان⁴⁵ ،

۴۰. كنز العقال، ج ۱، ص ۳۸، ح ۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۵۸، ح ۲۲۸؛ مجموعة ورام، ج ۱، ص ۱۷۰؛
 كنز العقال، ج ۱، ص ۳۸، ح ۷۴؛ كنز العقال، ج ۱، ص ۳۷، ح ۶۷ و ص ۳۸، ح ۷۳؛ مسند أحمد، ج ۴،
 ص ۲۴۷؛ عوالي اللآلی حسائی، ج ۱، ص ۴۱۵، ح ۸۸؛ غرر الحكم، ص ۸۸، ح ۱۴۷۸ و ح ۱۴۸۰؛ كنز
 العقال، ج ۱، ص ۳۷، ح ۶۶؛ غرر الحكم، ص ۳۸۲، ح ۸۶۸۷؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۴۴۲، ح ۵۲۱؛ كنز
 العقال، ج ۱، ص ۳۷، ح ۶۷
۴۱. غرر الحكم، ص ۸۸، ح ۱۴۷۳ و ح ۱۴۷۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۲۸، ح ۱۳۹۵۴؛ بحار الأنوار،
 ج ۱۴، ص ۱۷۹، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۵۷، ح ۲۰؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۳۶؛ الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۸؛
 وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۶۱، ح ۱۵۹۵۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۸، ح ۳۱۱۷؛ بحار
 الأنوار، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۶۵؛ وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۵۲، ح ۱۵۹۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۸۷،
 ح ۳۴؛ صحيفة الرضا، ص ۶۷؛ كنز العقال، ج ۱، ص ۳۸، ح ۷۱ و ص ۳۶، ح ۵۷؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۴۷۲،
 ح ۵۲۷؛ غرر الحكم، ج ۸، ص ۱۴۷۱؛ غرر الحكم، ج ۸، ص ۱۴۷۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۹،
 ح ۱۲۷۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۴؛ ج ۸، ص ۸۵، ح ۲۹؛ قرب الإسناد، ص ۴۶؛ غرر الحكم،
 ص ۸۸، ح ۱۴۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۱۱ و ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۳۴؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۵۰؛ كنز
 العقال، ج ۴۳۴۷؛ غرر الحكم، ص ۸۸، ح ۱۴۷۶؛ كنز العقال، ج ۳، ص ۱۹، ح ۵۲۴۴؛ مستدرک
 الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۴۶، ح ۱۳۲۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۷۵، ح ۸۱ و ج ۶، ص ۷۵، ح ۹۱، ص ۹۸؛ غرر الحكم،
 ص ۳۰۴، ح ۶۹۴۸؛ كشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۴۸؛ كنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۵۰؛ غرر الحكم، ص ۸۸، ح ۱۴۷۵؛
 مجموعة ورام، ج ۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۷۹، ح ۱۰؛ اعلام الدين، ص ۱۴۴ و
 ۳۳۴؛ وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۳۷۲، ح ۱۲۲۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۶۴، ح ۲۹۷، ح ۲۲؛ ارشاد القلوب، ج ۱،
 ص ۱۹۵؛ أمالي الطوسي، ص ۱۲۵؛ غرر الحكم، ص ۲۸۲، ح ۲۶۶؛ قرب الإسناد، ص ۴۶؛ غرر الحكم،
 ح ۱۰۸۴۹؛ كنز العقال، ج ۲، ص ۱۸، ح ۵۲۳۶
۴۲. الكافي، ج ۲، ص ۳۲۰، ح ۴؛ وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۲۴، ح ۲۰۸۶۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۶۹،
 ح ۱۲۹۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۷۱، ح ۱۲؛ الكافي، ج ۱، ص ۴۵، ح ۵؛ وسائل الشيعة، ج ۶، ص ۱۵۰،
 ح ۲۱۲۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۶، ح ۱؛ الكافي، ج ۲، ص ۴۱۶، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۱۲، ح ۱؛
 الكافي، ج ۲، ص ۴۱۹، ح ۵؛ وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۵۹، ح ۸۷۱۹؛ الكافي، ج ۲، ص ۳۸، ح ۶؛ وسائل الشيعة،
 ج ۱۵، ص ۱۶۸، ح ۲۰۲۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۳، ح ۵
۴۳. وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۰۳۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۶۳۱؛ بحار الأنوار،
 ج ۷، ص ۳۹۲، ح ۱۱؛ الكافي، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۵؛ وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۲۰۱، ح ۱۶۰۸۵؛ بحار الأنوار،
 ج ۷، ص ۱۴۷، ح ۴۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۲۳۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۷۴، ح ۱۵۳، ح ۹۹؛ تحف
 العقول، ص ۴۷؛ جامع الأخبار، ص ۳۵
۴۴. الكافي، ج ۲، ص ۴۲، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۶۹، ح ۱۹؛ عتة الداعي، ح ۲۲۸؛ مجموعة ورام، ج ۲،
 ص ۱۱۷
۴۵. المقنعة، ح ۳۳؛ الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۲؛ الدعوات، ح ۲۸؛ الكافي، ج ۲، ص ۱۲۵؛ وسائل الشيعة، ج ۱۶،
 ص ۱۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵۶؛ محاسن، ج ۱، ص ۱۶۵؛ مجموعة ورام، ج ۲، ص ۲۳؛ الكافي، ج ۲،
 ص ۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶؛ الزهد، ح ۱۷

- ۲ - ۱۱. دعائم الإیمان^{۴۶}،
 ۲ - ۱۳. ثبات و زوال ایمان^{۴۷}،
 ۲ - ۱۴. آفة الإیمان^{۴۸}،
 ۱۲ - ۱۵. صفات المؤمن^{۴۹} (نشانه‌های مؤمن).

۴۶. الکافی، ج ۲، ص ۵۰، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۶، ح ۲۰۲۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۸۸، ح ۴۶؛ غرر الحكم، ص ۳۹۷، ح ۹۲۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۸۱، ح ۵۲؛ مشکاة الأنوار، ح ۱۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۹، ح ۱۴۴۹۱؛ کنز العقال، ج ۱۰، ص ۱۸۱، ح ۲۸۹۴۴.

۴۷. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۰۵، ح ۲۳.

۴۸. الکافی، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۲ و ص ۲۲۳، ح ۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۰۴، ح ۲۱۳۵۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۵۵، ح ۱۴۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۷۳، ح ۴۱ و ج ۱۳، ص ۱۵۸؛ مجموعة ورام، ج ۲، ص ۳۳؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۶۷، ح ۱۵۹۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۹، ح ۲؛ مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۸۸؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۵، ح ۱۹؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۴۴۲؛ غرر الحكم، ح ۳۹۱۵؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۰، ح ۱۱/۴۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۶۴، ح ۶۸ و ج ۷۰، ص ۳۰۲، ح ۱۲؛ کنز العقال، ج ۳، ص ۴۵۳، ح ۴۵۳؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۷۴، ح ۹۵؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۴۹۸۷؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۱۰، ح ۲۵۶۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۵، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۲، ح ۱۰۷؛ تحف العقول، ج ۱۸؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۶۷، ح ۷۱؛ مسند أحمد، ج ۳، ص ۲۵۱، ح ۲۸۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۶۶۶، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۲۵، ح ۱۵۸۳۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۷۷، ح ۱۳۵۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۵۲، ح ۱۲؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۷۸، ح ۱۰۷؛ کنز العقال، ج ۱، ص ۴۱، ح ۹۷؛ کنز العقال، ج ۱، ص ۴۱، ح ۹۷؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۵۰، ح ۱۶۲۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۶۲، ح ۴۱ و ج ۷۵، ص ۵۵، ح ۱۰۴؛ تحف العقول، ج ۲۱۲؛ المحاسن، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱۲۶؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۳۶۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۲، ح ۷۵۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶، ح ۴؛ فقه الرضا، ح ۳۳۸؛ کنز العقال، ج ۳، ص ۴۵۳، ح ۴۰۴؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۹۰، ح ۱۶۰۵ و ص ۱۹۳، ح ۱۶۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۸۳، ح ۳۶ و ص ۳۰۱، ح ۷۳؛ مجموعة ورام، ج ۵، ص ۱۱۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۲۸، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۲، ح ۲۰۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۴۹، ح ۲۰؛ مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۹۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۲، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۲، ح ۲۰۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۴۹، ح ۲۰؛ مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۹۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۶، ح ۲۰۸۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۶، ح ۵؛ الأمالی للصدوق، ح ۲۰۵؛ تحف العقول، ح ۲۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۴، ح ۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۷۵، ح ۱۳۵۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵، ح ۸؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۴۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۸۸، ح ۱۰۲۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۷۲، ح ۱۱؛ غرر الحكم، ص ۶۲، ح ۷۳۴۱؛ کنز العقال، ج ۳، ص ۴۵۵، ح ۷۴۲۰؛ غرر الحكم، ح ۱۶۹۳، ص ۹۵۵۳؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۱؛ غرر الحكم، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۵۸۶۳؛ همان، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵۵۰۱؛ همان، ج ۳، ص ۴۵۳، ح ۷۴۱۶؛ همان، ح ۸۲۰۶؛ أمالی صدوق، ص ۲۲۳، ح ۴.

۴۹. نهج البلاغة، حکمة ۳۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۰۵، ح ۳۷؛ أعلام الدین، ص ۱۳؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۱۱، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۶، ح ۲۰۲۳۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۳۸، ح ۱۰۴۸۵؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۳۰؛ شرح نهج البلاغة، ج ۱۰، ص ۲۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۰۲، ح ۳۲؛ ج ۶۴، ص ۳۵۸، ح ۶۴؛ أعلام الدین، ص ۱۱۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۳۰، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۱۵، ح ۲۰۲۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۹۴، ح ۱۷؛ أعلام الدین، ص ۱۰۹؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۷، ح ۲۰۲۹۳؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۷۰، ح ۲؛ أعلام الدین، ص ۱۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۴، ح ۵؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۳۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۲، ح ۲۰۲۵۲؛ ص ۳۵۸، ح ۲۰۷۳۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۸۹، ح ۱۰؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۰۵، ح ۶۵؛ صفات الشیعة، ج ۲، ص ۳۶؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۲۶، ح ۹؛ ص ۲۳۵، ح ۱۵؛

برای جمع آوری شاخصه‌های دینداری ذیل اصطلاح «دین» از واژگان کلیدی استفاده شده است که عبارت‌اند از: دین، اول‌الدین و آخره، اصل‌الدین، رأس‌الدین، نظام‌الدین، جماع‌الدین، ملاک‌الدین، عماد‌الدین، نصف‌الدین، اساس‌الدین، افضل‌الدین، کمال‌الدین، الدین‌الذی لا تُقبل الأعمال إلا به، أهل‌الدین، قواعد‌الدین، ثمرة‌الدین، آفة‌الدین.

۳- ۱. أصل‌الدین^۵؛

۳- ۲. أساس‌الدین^۱؛

وسائل‌الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۶۸، ح ۲۱۲۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۲۰؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۱۷؛
وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۹، ح ۲۰۲۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۵۸، ح ۶۱؛ أعلام‌الدین، ص ۱۱۰؛
مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۰۲؛ الكافي، ص ۲۳۵، ح ۱۸؛ وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۹، ح ۲۰۲۴۴؛ بحار
الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۹۳؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۴۰، ح ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۷، ح ۲؛ الخصال، ج ۱،
ص ۹۲؛ مشکاة الأنوار، ح ۲۳۱؛ وسائل‌الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۵۱، ح ۱۵۹۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۰،
ص ۲۹۶، ح ۳؛ عیون أخبار‌الرضا، ج ۲، ص ۵۰؛ كنز العقول، ج ۱، ص ۴۰، ح ۸۸؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۳۶؛
وسائل‌الشیعة، ج ۱۲، ص ۵۵، ح ۱۵۶۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۰، ح ۶۵؛ تحف‌العقول، ح ۲۸۲؛
الكافي، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۳۸؛ وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۳، ح ۲۰۲۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۶۲، ح ۶۷؛
الكافي، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۳۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۲۳۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۹، ح ۱۶؛
تحف‌العقول، ح ۴۴۲؛ الخصال، ج ۱، ص ۸۲، ح ۷؛ كنز العقول، ج ۱، ص ۲۶، ح ۱۵؛ الكافي، ج ۲، ص ۴۵، ح ۱؛
بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۱۱، ح ۴؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۱۳۵؛ كنز العقول، ج ۱، ص ۴۱، ح ۹۴؛ همان،
ج ۱، ص ۳۷، ح ۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۱۱، ح ۹؛ روضة‌الواعظین، ج ۲، ص ۴۳۷؛ مشکاة الأنوار،
ص ۴۰؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۴؛ وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۷، ح ۲۰۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۷۱،
ح ۳؛ جامع‌الأخبار، ص ۸۵؛ غرر‌الحکم، ص ۹۰، ح ۱۵۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۰۷، ح ۴۰؛ جامع
الأخبار، ص ۸۵؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۱۳، ح ۴۷؛ أعلام‌الدین،
ح ۲۱۰؛ أمالی‌للطوسی، ص ۵۸۰، ح ۱۱۹۹؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۷۲؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۴؛ بحار
الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۷۱، ح ۳؛ وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۷، ح ۲۰۲۴۰؛ تحف‌العقول، ح ۳۵۸؛ الخصال،
ج ۲، ص ۵۱، ح ۲؛ مستدرک، ج ۸، ص ۴۵۰، ح ۹۹۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۰۹، ح ۴۱؛ جامع‌الأخبار،
ص ۸۵؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۲۶، ح ۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۵۲، ح ۹۹۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۰۵،
ح ۳۷؛ ص ۲۶۵، ح ۷۰؛ غرر‌الحکم، ص ۹۰، ح ۱۵۵۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۰، ح ۱۴۵۳؛ غرر
الحکم، ص ۹۰، ح ۱۵۴۷؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۱۷؛ وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۹، ح ۲۰۲۴۳؛ بحار
الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۵۸، ح ۶۱؛ أعلام‌الدین، ح ۱۱۰؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۰۲؛ غرر‌الحکم، ج ۲، ص ۹۰،
ص ۱۵۳۳؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۶۹؛ الكافي، ج ۲، ص ۴۸، ح ۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۲۳۲۹؛ بحار
الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۴۴، ح ۱۳۲؛ ج ۶۴، ص ۲۸۴، ح ۷؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۲۴، ح ۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۵۵،
ح ۵۸؛ الكافي، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۲؛ وسائل‌الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۲۳، ح ۱۶۱۶۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۶۷،
ح ۱۰۲۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۵، ح ۳۳؛ مشکاة الأنوار، ح ۲۰۱؛ الكافي، ج ۲، ص ۹۹، ح ۱؛ وسائل
الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۴۸، ح ۱۵۹۰۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۴۷، ح ۹۹۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۸،
ص ۳۷۲، ح ۱؛ تحف‌العقول، ح ۲۹۵؛ الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۲؛ أمالی‌الصدوق، ح ۴۸۷؛ الكافي، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۲؛
وسائل‌الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۶، ح ۲۱؛ الكافي، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱؛ وسائل
الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۶۹، ح ۳۰۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۵، ح ۲۰؛ مشکاة الأنوار، ح ۱۷۹،
۵۰. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۴۷، ح ۱۹؛ غرر‌الحکم، ص ۲۷۵، ح ۶۰۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۹، ح ۲۹؛
غرر‌الحکم، ص ۱۰۳، ح ۱۸۲۴؛ غرر‌الحکم، ص ۸۶، ح ۱۴۰۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۷، ح ۱۲۹۷۳؛
بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۸۶، ح ۳۴؛ أعلام‌الدین، ح ۱۹۹؛ عده‌الداعی، ح ۳۰۳؛ مجموعه ورام، ج ۲،
ص ۶۲؛ غرر‌الحکم، ص ۸۵، ح ۱۴۰۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۷۹، ح ۱۳۰۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۸،
ص ۱۰۹؛ جامع‌الأخبار، ج ۱۷۸، ص ۴؛ علل‌الشرایع، ج ۱، ص ۳۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۷، ح ۵۹.

- ۳ - ۳. رأس‌الدین^{۵۲}،
 ۳ - ۴. أول‌الدین و آخره^{۵۳}،
 ۳ - ۵. نظام‌الدین^{۵۴}،
 ۳ - ۶. جماع‌الدین^{۵۵}،
 ۳ - ۷. ملاک‌الدین^{۵۶}،
 ۳ - ۸. عماد‌الدین^{۵۷}،
 ۳ - ۹. نصف‌الدین^{۵۸}،
 ۳ - ۱۰. أفضل‌الدین^{۵۹}،
 ۳ - ۱۱. کمال‌الدین^{۶۰}،
 ۳ - ۱۲. الدین‌الذی لا تقبل‌الأعمال إلا به^{۶۱}،

۵۱. مستدرک‌الوسائل، ج ۱، ص ۸۴، ح ۴۰؛ بحار‌الأنوار، ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۸؛ روضة‌الواعظین، ج ۱، ص ۴؛ بحار‌الأنوار، ج ۵، ص ۱۶، ح ۲۳؛ التوحید، ج ۹۶، ص ۱؛ بحار‌الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۱۷، ح ۳۲؛ غرر‌الحکم، ص ۱۱۶، ح ۲۰۱۶؛ غرر‌الحکم، ص ۲۷۵، ح ۶۰۲۸؛ کنز‌العقال، ج ۳، ص ۳۸۱، ح ۷۰۴۷؛ ارشاد‌القلوب، ج ۱، ص ۱۶۹.
۵۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۱۴، ح ۱؛ غرر‌الحکم، ص ۲۱۸، ح ۴۳۰۸ و ص ۲۱۸، ح ۴۳۰۹؛ غرر‌الحکم، ص ۶۲، ح ۲۲۵؛ غرر‌الحکم، ص ۸۶، ح ۱۴۰۸؛ کنز‌العقال، ج ۱۶، ص ۲۶۹، ح ۴۳۳۹۹؛ بحار‌الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۳۲؛ بحار‌الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۶؛ ارشاد‌القلوب، ج ۱، ص ۲۰۳؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۷۳، ح ۱۲۹۸۳؛ مکارم‌الأخلاق، ح ۴۶۷.
۵۳. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۹۸؛ بحار‌الأنوار، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۵؛ کنز‌العقال، ج ۳، ص ۶۲، ح ۵۵۰۶؛ غرر‌الحکم، ص ۱۴۰۳؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۵، ح ۱۳۸۳۳۷؛ غرر‌الحکم، ص ۳۳۲، ح ۷۶۳۸.
۵۴. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۱۶؛ غرر‌الحکم، ص ۲۴۱، ح ۴۸۹۵ و ص ۲۷۶، ح ۶۰۶۹؛ غرر‌الحکم، ص ۳۹۴، ح ۹۱۱۲؛ ص ۴۱۷، ح ۹۵۲۵؛ بحار‌الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۲، ح ۸؛ الأمالی‌للطوسی، ج ۲۹۶، ص ۵۸۲؛ بشارة‌المصطفی، ح ۱۸۸.
۵۵. غرر‌الحکم، ص ۸۵، ح ۱۳۹۷؛ همان، ص ۱۲۸، ح ۲۴۳۲؛ همان، ص ۸۵، ح ۱۳۹۶.
۵۶. بحار‌الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۷۹، ح ۲۷؛ تحف‌العقول، ح ۵۱۳؛ مکارم‌الأخلاق، ح ۴۶۷؛ غرر‌الحکم، ص ۲۴۱، ح ۴۸۹۴؛ غرر‌الحکم، ص ۸۵، ح ۱۴۰؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۰، ح ۱۲۷۳۸.
۵۷. شرح‌نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۲۲۳؛ الکافی، ج ۷، ص ۵۱، ح ۷؛ بحار‌الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۳۲، ح ۲۴؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۱، ح ۲۹۴۳؛ وسائل‌الشیعة، ج ۴، ص ۳۴، ح ۴۴۴۵؛ بحار‌الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۳۰؛ عوالی‌اللالی، ج ۴، ص ۵۹، ح ۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸؛ وسائل‌الشیعة، ج ۷، ص ۳۸، ح ۸۶۵۴؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۱۶۱، ح ۵۵۶۱؛ کنز‌العقال، ج ۲، ص ۶۲، ح ۳۱۱۷؛ ارشاد‌القلوب، ج ۱، ص ۱۳۱.
۵۸. وسائل‌الشیعة، ج ۹، ص ۳۷۱، ح ۱۲۲۶۴؛ بحار‌الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۱۶؛ جامع‌الأخبار، ح ۵؛ صحیفة‌الرضا، ج ۵۲، ص ۵۱؛ عیون‌أخبار‌الرضا، ج ۲، ص ۳۵، ح ۷۵؛ وسائل‌الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۵۴، ح ۱۵۹۳۰؛ بحار‌الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۵، ح ۲۸؛ الخصال، ج ۱، ص ۳۰، ح ۱۰۶؛ روضة‌الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۶؛ مشکاة‌الأنوار، ح ۲۲۳؛ کنز‌العقال، ج ۳، ص ۵۱۴۱.
۵۹. وسائل‌الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۵۸؛ غرر‌الحکم، ص ۸۶، ح ۱۴۰۵؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۴، ح ۳۹۷۶؛ غرر‌الحکم، ص ۶۲، ح ۷۲۸؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۹، ح ۱۲۷۳۸؛ غرر‌الحکم، ص ۸۵، ح ۱۴۰۴.
۶۰. الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ وسائل‌الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۴، ح ۳۳۱۱۱؛ بحار‌الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۵، ح ۴۱؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۴، ح ۲۱۴۸۲؛ غرر‌الحکم، ص ۲۷۱، ح ۵۹۰۹؛ غرر‌الحکم، ص ۸۵، ح ۱۳۹۸؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۵، ح ۱۴۵۴۹.
۶۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۳، ح ۱۴؛ بحار‌الأنوار، ج ۱۸، ص ۱۰۲، ح ۸؛ رجال‌الکشی، ص ۴۱۸، ح ۷۹۲.

- ۳- ۱۳. أهل الدين^{۶۲}،
 ۳- ۱۴. قواعد الدين^{۶۳}،
 ۳- ۱۵. ثمرة الدين^{۶۴}،
 ۳- ۱۶. آفات الدين^{۶۵}.

برای جمع آوری شاخصه‌های دینداری ذیل اصطلاح «شیعه» واژگان کلیدی از جمله: صفات الشیعه، اصناف الشیعه، من هم لیسوا من الشیعه؟ استفاده شده است.

- ۴- ۱. أصناف الشیعه^{۶۶} (انواع شیعه)،
 ۴- ۲. صفات الشیعه^{۶۷}،

- ۶۲ بحار الأنوار، ج ۶۶ ص ۳۶۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۰، ح ۲۰۲۴۷.
 ۶۳ غرر الحكم، ص ۸۵، ح ۱۳۹۴؛ همان، ح ۱۳۹۵.
 ۶۴ غرر الحكم، ص ۸۶، ح ۱۴۲۳؛ همان، ص ۸۶، ح ۱۴۰۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۵۳ و ج ۶۶ ص ۲۷۷؛ الأمالی للمفید، ج ۵، ص ۱۴.
 ۶۵ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۰، ح ۲۱۳۷۸؛ ص ۲۱۱، ح ۱۶۶۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۴، ح ۱۸؛ ج ۲، ص ۳۴۶، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۱، ح ۱۶۶۵۴؛ مشکاة الأنوار، ح ۴۲؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۵۲۴؛ الكافي، ج ۱، ص ۱۷، ح ۱۲؛ وسائل، ج ۵، ص ۱۳، ح ۹۳۱۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۹۳۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۴۱، ح ۲۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۸؛ ح ۱۲۷۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۹؛ تحف العقول، ح ۵۴؛ كنز العقال، ج ۳، ص ۳۷۹، ح ۷۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۳۹۳، ح ۷؛ ج ۱۸، ص ۱۶۳، ح ۱۷۲؛ تحف العقول، ح ۵۷؛ عيون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۳، ح ۲؛ أمالی طوسی، ح ۵۴؛ المناقب، ج ۱، ص ۵۷؛ الكافي، ج ۲، ص ۱۲۷، ح ۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۷، ح ۱۲۲۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۰، ح ۲۷؛ غرر الحكم، ص ۷۱، ح ۱۰۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۲، ح ۵۶؛ كنز العقال، ج ۳، ص ۳۰۳، ح ۳۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۲۸؛ الكافي، ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۲، ح ۲۱۲۲۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۷، ح ۲۲۴۴۲؛ الاختصاص، ح ۲۵۸؛ الكافي، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۷۴، ح ۲۲۴۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۲۲، ح ۳۹؛ أمالی مفید، ح ۱۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۲، ح ۱۰۲؛ الزهد، ج ۱، ص ۱۹، ح ۴؛ الكافي، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۳۰۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۶۶، ح ۲۰۷۵۸؛ الكافي، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۳۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۶۶، ح ۲۰۷۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۴۸، ح ۵؛ غرر الحكم، ص ۲۹۹، ح ۶۷۶۱؛ همان، ص ۱۳۰، ح ۲۲۶۰؛ غرر الحكم، ص ۵۶، ح ۶۹؛ كنز العقال، ج ۱۰، ص ۱۸۴، ح ۲۸۹۵۴؛ شرح نهج البلاغة، ج ۳، ص ۶۳؛ مشکاة الأنوار، ص ۴۵.
 ۶۶ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۵، ح ۱۳۳۵۲.
 ۶۷ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۲، ح ۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۷، ح ۴۴۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۹، ح ۳۹؛ صفات الشیعه، ج ۱، ص ۱۷؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۶، ح ۲۰۴؛ ص ۱۵، ح ۲۵۱، ح ۲۰۴۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۸، ح ۲۶؛ ج ۶۵، ص ۱۸۶، ح ۴۲؛ أعلام الدين، ح ۱۲۵؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۶۳؛ مشکاة الأنوار، ج ۳، ص ۱۱۲، ح ۴۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۲، ح ۴۰؛ أعلام الدين، ح ۱۳۰؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۰۳، ح ۶۲؛ مشکاة الأنوار، ح ۷۸؛ الكافي، ج ۲، ص ۷۳، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۳، ح ۲۰۲۶۰؛ غرر الحكم، ص ۹۵، ح ۱۶۷۵؛ مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۸۵؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۲۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۰، ح ۲۰۲۴۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۹۰، ح ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۹۲، ح ۴۸؛ میزان الحكمة، ج ۶، ص ۳۹۲۸، ح ۹۹۴۵؛ الكافي، ج ۸، ص ۲۲۸، ح ۲۹۰؛ مجموعة ورام، ج ۳، ص ۱۵۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۳۳، ح ۳۴۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۱۹۱، ح ۴۷ و ج ۷۵، ص ۲۸، ح ۹۵؛ أعلام الدين، ح ۱۳۷؛ كنز الفوائد، ج ۱، ص ۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۷۷، ح ۳۴؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۴۴؛ أعلام الدين، ح ۱۴۴؛ الأمالی للطوسی، ح ۵۷۶؛

۴ - ۳. من هم ليسوا من الشيعة^{۶۸} (آنکه شیعه نیست!).

تحلیل و استنتاج

اکنون در صدد تحلیل و استنتاج مفاهیم به دست آمده از مباحث قبل هستیم که بر اساس روایات استخراج شده از کتب شیعه و اهل سنت صورت می‌گیرد. لذا ممکن است موارد دیگری نیز یافت شود. بنا بر این، ابتدا جدول‌هایی را - که ما حاصل روایات چهار واژه (اسلام، ایمان، دین، شیعه) است - می‌آوریم و تحلیلی از داده‌ها بر پایه و تکرار مؤلفه‌ها به دست می‌دهیم؛ با توجه به این نکته که بعضی از امور به مذهب اختصاص دارد و ضرورت دین نیست.

جدول ش (1): شاخصه‌های ایجابی اسلام

رفتاری		اخلاقی	اعتقادی
اجتماعی	فردی	۱. صبر و شکیبایی	۱. توحید

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۷۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۹۵۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۶۲، ح ۲۵؛ صفات الشيعة، ج ۲۸؛ مشکاة الأنوار، ح ۱۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۸۱، ح ۲۹ و ج ۷۵، ص ۷۲، ح ۳۹؛ کافی، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۸۹، ح ۴۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۲، ح ۲۹۹۹؛ تحف العقول، ص ۳۰۳؛ وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۲۴، ح ۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۵۹، ح ۷۹؛ صفات الشيعة، ج ۳؛ کافی، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۰؛ وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۲۸، ح ۱۲۴۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۸، ح ۲۷؛ صفات الشيعة، ص ۸؛ مشکاة الأنوار، ص ۲۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۶، ح ۱۷؛ رجال کشی، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۴۷۳؛ کافی، ج ۲، ص ۷۵، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۰۱، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۱۹، ح ۸۳؛ بشارة المصطفى، ح ۱۶۹؛ مشکاة الأنوار، ح ۶۷؛ بشارة المصطفى، ح ۱۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۷۵، ح ۳۱؛ تحف العقول، ح ۳۲۵؛ کافی، ج ۲، ص ۷۴، ح ۳.

۶۸ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۹۶، ح ۱۸۶؛ ج ۱۸، ص ۳۱۱، ح ۲۲؛ ج ۶۶، ص ۹، ح ۱۱؛ صفات الشيعة، ح ۵۰؛ وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۴۷، ح ۲۰۴۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۴، ح ۱۳؛ مشکاة الأنوار، ح ۷۰؛ کافی، ج ۲، ص ۶۳۷، ح ۲؛ وسائل، ج ۱۲، ص ۱۰، ح ۱۵۵۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۶۶، ح ۱۰۸؛ مشکاة الأنوار، ح ۱۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۴۵، ح ۲۶؛ بصائر الدرجات، ح ۲۴۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۹۳، ح ۱۴۱۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۸۰، ح ۷۶؛ غيبة النعماني، ج ۱، ص ۳۶، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۰۶، ح ۳۲؛ ج ۷۶، ص ۶۳، ح ۱؛ ج ۹۳، ص ۱۵۰، ح ۷؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۱۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۱۵۴، ح ۱۱؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۵.

۱. حسن خلق	۱. تلاوت قرآن	۲. تسلیم	۲. یقین
۲. همسایه‌داری	۲. نماز خواندن	۳. تقوا	۳. تعقل
۳. رازداری	۳. روزه‌داری	۴. صدق و راستگویی	۴. دوستی و دشمنی برای خدا
۴. حمایت و دفاع از برادران دینی	۴. انجام حج	۵. ورع و پارسایی	۵. پذیرش ولایت اهل بیت
۵. جهاد		۶. خشوع	
۶. پرداخت زکات		۷. اعتدال در خوف و رجا	
۷. امانت‌داری		۸. رضا و خشنودی در قضا و قدر الهی	
۸. پایبندی بر تعهدات		۹. حلم و بردباری	
۹. امر به معروف و نهی از منکر		۱۰. تصدیق حرف با عمل	
۱۰. انس و مردم‌آمیزی		۱۱. دوستی و عشق به اهل بیت	
۱۱. احسان و نیکوکاری		۱۲. شرم و حیا	
۱۲. اهتمام در امور مسلمانان		۱۳. عدالت	

جدول ش (2): شاخصه‌های سلبی اسلام

رفتاری		اخلاقی	اعتقادی
اجتماعی	فردی		
۱. خیانت کردن		۱. دروغ‌گویی	۱. عدم تعقل
۲. عدم دادخواهی		۲. ظلم و ستم کردن	
۳. غیبت کردن		۳. حیله و نیرنگ	
۴. عیب‌جویی		۴. سرزنش کردن	
۵. فحش و ناسزاگویی			
۶. بحث و جدال کردن			

جدول ش (1): شاخصه‌های ایجابی ایمان

رفتاری		اخلاقی	اعتقادی
اجتماعی	فردی		
		۱. تقوا	۱. توحید

۱. انفاق کردن	۱. نماز خواندن	۲. توکل	۲. یقین
۲. جهاد	۲. روزه‌داری	۳. اخلاص در گفتار و کردار	۳. معرفت
۳. وفای به عهد	۳. انجام حج	۴. تسلیم	۴. دوستی و دشمنی برای خدا
۴. امانت‌داری	۴. برنامه‌ریزی برای امر و معاش	۵. صبر و شکیبایی	۵. اعتقاد به پیامبری رسول خدا و امامت اهل بیت
۵. انس و الفت مردم‌آمیزی	۵. توبه و استغفار	۶. شکر و سپاسگزاری	
۶. خیرخواهی	۶. رعایت حلال و حرام	۷. عدالت	
۷. رازداری	۷. ذکر و توجه به خدا	۸. تفویض	
۸. امر به معروف و نهی از منکر	۸. تهجد و شب زنده‌داری	۹. رضا و خشنودی به قضا و قدر الهی	
۹. احسان و نیکوکاری	۹. دعا کردن	۱۰. خوف و رجا	
۱۰. حسن خلق (خوی نیک)	۱۰. وضو گرفتن	۱۱. حلم و بردباری	
۱۱. سلام کردن	۱۱. سخت‌کوشی	۱۲. کف نفس	
۱۲. صدقه دادن	۱۲. محاسبه اعمال	۱۳. شرم و حیا	
		۱۴. عدم پیروی از هوی و هوس	
		۱۵. ورع و پارسایی	
		۱۶. احسان و نیکوکاری	
		۱۷. مدارا کردن	
		۱۸. ایثار و از خودگذشتگی	
		۱۹. صدق و راستگویی	
		۲۰. قناعت	
		۲۱. متین و باوقار	
		۲۲. خشوع	
		۲۳. زیرک و باهوش	
		۲۴. اجتناب از کبائر	
		۲۵. سخاوت و بخشندگی	
		۲۶. حفظ زبان	
		۲۷. میانه‌روی در فقر و غنا	

جدول ش (2): شاخصه‌های سلبی ایمان

اعتقادی	اخلاقی	رفتاری
---------	--------	--------

اجتماعی	فردی		
۱. آزار و اذیت همسایه	۱. دزدی	۱. طمع و آزمندی	۱. شرک
۲. خشونت و درشت‌خویی	۲. شراب‌خواری	۲. بی‌حیایی و عدم شرم و حیا	۲. شک
۳. خیانت در امانت	۳. خنده زیاد	۳. کم‌گویی . بی‌عفتی	۳. عدم تعقل و خردورزی
۴. چاپلوسی	۴. بیکاری	۴. بی‌صبری	
۵. فحش و دشنام دادن		۵. نفاق و دورویی	
۶. نفرین کردن		۶. دروغ‌گویی	
۷. غیبت کردن		۷. بخل	
		۸. حفظ نکردن زبان	
		۹. بدگمانی نطق	
		۱۰. وابستگی به دنیا	
		۱۱. حس ورزیدن	
		۱۲. جبن و ترسو بودن	
		۱۳. ریا و شهرت‌طلبی	
		۱۴. سرزنش کردن	
		۱۵. رشوه دادن	
		۱۶. دزدی	

جدول ش (1): شاخصه‌های ایجابی دین

رفتاری		اخلاقی	اعتقادی
اجتماعی	فردی		
۱. امر به معروف و نهی از منکر	۱. نماز خواندن	۱. اخلاص در گفتار و کردار	۱. توحید
۲. امانت‌داری	۲. روزه‌داری	۲. تصدیق	۲. معرفت
۳. پایبندی به تعهدات	۳. همنشینی با پرهیزکاران	۳. تسلیم در برابر اوامر الهی و نواهی خدا	۳. یقین
۴. پرداخت زکات	۴. محاسبه اعمال	۴. طولانی نبودن آرزوها	۴. اطاعت از اوامر و نواهی خدا
۵. حسن خلق (خوش‌خویی)	۵. دعا کردن	۵. تقوا	۵. دوستی و دشمنی برای خدا
۶. صلح و رحمت	۶. انجام حج	۶. عدالت	۶. تعقل
۷. کم‌آمیختن با زنان خیرخواهی		۷. زهد و عدم دلبستگی به دین	۷. اعتقاد به روز قیامت و برانگیختن از قبر
۸. خیرخواهی		۸. صبر و شکیبایی	۸. پرهیز از شبهات
۹. نیکی کردن		۹. صدق و راستی	
۱۰. عدم تجاوز به حقوق دیگران		۱۰. عفت و پاکدامنی	
۱۱. صدقه دادن		۱۱. ورع و پارسایی	
		۱۲. خضوع	
		۱۳. رضا و خشنودی به قضا و قدر الهی	
		۱۴. دوستی و عشق به اهل بیت	
		۱۵. سخاوت‌مندی و بخشش	
		۱۶. شرم و حیا	
		۱۷. شجاعت	
		۱۸. قناعت‌پیشگی	
		۱۹. احسان و نیکوکاری	
		۲۰. ترحم بر ناتوان	
		۲۱. شکر و سپاسگزاری	
		۲۲. مخالفت با هوای نفس	
		۲۳. مروت و مردانگی	

جدول ش (2): شاخصه‌های سلبی دین

رفتاری		اخلاقی	اعتقادی
اجتماعی	فردی		
۱. خلف وعده	۱. ترک نماز	۱. عدم پارسایی	۱. شک
۲. ترک امر به معروف و نهی از منکر	۲. اسراف کردن	۲. نداشتن حب و بغض دینی	۲. عدم خردورزی
۳. فخر فروشی		۳. دروغ‌گویی	۳. عدم تقفه
		۴. حسادت کردن	۴. انکار آیه‌ای از آیات الهی
		۵. تکبر و خودپسندی	۵. پذیرش ولات
		۶. حرص و طمع، ربا	۶. پیشوای ستمگر
		۷. دل‌بستگی به دنیا	
		۸. بدگمانی نسبت به مردم	

جدول ش (1): شاخصه‌های ایجابی شیعه

رفتاری		اخلاقی	اعتقادی
اجتماعی	فردی		
۱. پرداخت زکات	۱. نماز خواندن و محافظت از آن	۱. حلم و بردباری	۱. توحید
۲. امانت‌داری	۲. روزه‌داری	۲. صدق و راست‌گویی	۲. تعقل
۳. امر به معروف و نهی از منکر	۳. تهجد و شب زنده‌داری	۳. تقوا	۳. اطاعت از اوامر و نواهی خدا
۴. عدم آزار و اذیت همسایه	۴. سخت‌کوشی در عبادت	۴. اخلاص در گفتار و کردار	۴. دوری از شک و شبهه
۵. وفای به عهد و پابندی به تعهدات	۵. خوراکشان بخور و نمیر	۵. زهد و عدم بستگی به دنیا	
۶. مهرورزی با مردم	۶. میانه‌رو در پوشاک	۶. ورع و پارسایی	
۷. حسن خلق	۷. ذکر و توجه به خدا	۷. عفت بطن و فرج	
۸. سلام کردن	۸. انجام حج	۸. محبت خدا	
۹. اطعام مردم	۹. دوری از بیهوده‌گویی	۹. کظم غیظ و فرو بردن خشم	
۱۰. دست‌گیری از تهی‌دستان	۱۰. تلاوت قرآن	۱۰. سخاوت و بخشش	
۱۱. همدردی با برادران دینی		۱۱. احسان و نیکوکاری	
۱۲. رازداری		۱۲. اعتدال و میانه‌روی در کارها	
۱۳. نیکی به پدر و مادر		۱۳. اجتناب از کبائر	
		۱۴. دوستی و عشق به اهل بیت	
		۱۵. انتظار ظهور	
		۱۶. عدالت	
		۱۷. ایثار و از خودگذشتگی	
		۱۸. خوف و رجا	
		۱۹. تواضع	

جدول ش (2): شاخصه‌های سلبی شیعه

رفتاری		اخلاقی	اعتقادی
اجتماعی	فردی		
۱. سخن چینی	۱. بیپرده‌گویی	۱. نفاق و دورویی	۱. عدم خردورزی و تعقل
۲. پرده‌داری	۲. لواط دادن	۲. جفا کاری و ظلم و ستم	۲. انکار معراج
۳. گدایی کردن		۳. دورغ‌گویی	۳. سؤال قبر
		۴. عدم کظم غیظ	۴. آفریده شدن بهشت و جهنم و شفاعت
		۵. نداشتن خوف از خدا در خلوت و تنهایی	
		۶. بخل ورزیدن	
		۷. عدم پیروی از رفتار و کردار انبیاء و اهل بیت	
		۸. بی‌تقوایی	
		۹. عدم پرهیزکاری	

برای پی‌بردن به مهم‌ترین شاخصه‌های دینداری، بر اساس جدول‌های مذکور - که ما حاصل روایات استخراج شده است - آنها را بر اساس تکرار در سلب و ایجاب رده‌بندی کردیم، بدین گونه که مؤلفه‌ای که در روایات، چهار واژه اصل دینداری (اسلام، ایمان، دین، شیعه) تکرار شده باشد، نسبت به بقیه عناوینی که در سه یا دو یا یک مورد تکرار شده‌اند، رتبه اول، و مؤلفه‌ای که در سه مورد تکرار شده باشد، رتبه دوم و مفاهیمی که در دو مورد تکرار شده است، رتبه سوم و در نهایت، مؤلفه‌ای که در یک مورد تکرار شده است، رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است.

گفتنی است این رتبه‌بندی، چنان که در مورد مؤلفه‌های اثباتی صدق می‌کند، در مورد مؤلفه‌های سلبی نیز صادق است؛ یعنی مؤلفه‌ای که هم در سلب و نیز در ایجاب رتبه اول را دارا باشد، از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌گردند؛ از جمله صدق و راستگویی - که نقطه مقابل آن دروغ‌گویی است - و یا امانتداری - که نقطه مقابل آن، خیانت در امانت است - .

شایان ذکر است که از میان ۶۳ شاخصه ۳۷ مورد مربوط به حوزه زندگی فردی و ۲۶ شاخصه مربوط به زندگی اجتماعی است ولی نکته قابل توجه این است که مهم‌ترین یافته‌ها بر اساس تکرار در سلب و ایجاب به شاخصه‌های حوزه زندگی اجتماعی اختصاص دارد؛ به طوری که از بین شانزده مورد که رتبه اول داراست، نه مورد آن مربوط به مفاهیم اجتماعی است که جدول ذیل گویایی آن است:

مهم‌ترین یافته‌ها بر اساس تکرار در سلب و ایجاب

جمع	شیعه	دین	ایمان	اسلام	مؤلفه‌های ایجابی
۴	=	=	=	=	۱. عقل
۴	=	=	=	=	۲. تقوا
۴	=	=	=	=	۳. صبر و شکیبایی
۴	=	=	=	=	۴. صدق و راست‌گویی
۴	=	=	=	=	۵. عدالت
۴	=	=	=	=	۶. نماز خواندن
۴	=	=	=	=	۷. روزه‌داری
۴	=	=	=	=	۸. ذکر و توجه به خدا
۴	=	=	=	=	۹. انجام حج
۴	=	=	=	=	۱۰. امانت‌داری
۴	=	=	=	=	۱۱. حسن خلق
۴	=	=	=	=	۱۲. وفای به عهد
۴	=	=	=	=	۱۳. دوستی و عشق به اهل بیت
۴	=	=	=	=	۱۴. انفاق (پرداخت زکات و صدقه دادن)
۴	=	=	=	=	۱۵. امر به معروف و نهی از منکر
۴	=	=	=	=	۱۶. رازداری
۴	=	=	=	=	۱۷. احسان و نیکوکاری
۳	=	=	=	=	۱۸. سخاوت و بخشش
۳	=	-	=	=	۱۹. انس و الفت و مردم‌آمیزی
۳	-	=	=	-	۲۰. یقین
۳	=	-	=	=	۲۱. دوستی و دشمنی برای خدا
۳	=	-	=	=	۲۲. حلم و بردباری
۳	-	=	=	=	۲۳. تسلیم
۳	-	=	=	=	۲۴. رضا و خشنودی به قضا و قدر الهی
۳	=	-	=	=	۲۵. خوف و رجا
۳	=	=	=	=	۲۶. اخلاص
۳	-	=	=	=	۲۷. شرم و حیا
۲	-	=	=	=	۲۸. خیرخواهی
۲	=	-	=	-	۲۹. سلام کردن
۲	-	-	=	=	۳۰. جهاد
۲	=	-	-	-	۳۱. تلاوت قرآن
۲	=	-	=	-	۳۲. تهجد و شب‌زنده‌داری
۲	-	=	=	=	۳۳. محاسبه اعمال

جمع	شیعه	دین	ایمان	اسلام	مؤلفه‌های ایجابی
۲	-	=	=	-	۳۴. قناعت
۲	-	=	=	-	۳۵. عفت و پاکدامنی
۲	=	=	-	-	۳۶. زهد و عدم بستگی به دنیا
۲	=	-	=	-	۳۷. ایثار و از خودگذشتگی
۲	-	=	=	-	۳۸. شکر و سپاسگزاری
۲	-	=	=	-	۳۹. معرفت
۲	-	-	=	-	۴۰. خشوع
۲	=	-	=	-	۴۱. اجتناب از کبائر
۲	=	=	-	-	۴۲. تواضع
۲	=	-	-	=	۴۳. همدردی با برادران دینی
۲	=	-	-	-	۴۴. همسایه‌داری
۱	=	-	-	-	۴۵. دست‌گیری از تهی‌دستان
۱	-	=	-	=	۴۶. کم‌آمیختن با زنان
۱	-	=	-	=	۴۷. کوتاه کردن آرزوها
۱	-	-	=	-	۴۸. توکل
۱	-	-	=	-	۴۹. تفویض
۱	-	-	=	-	۵۰. کف نفس
۱	-	-	=	-	۵۱. مدارا کردن
۱	-	-	=	-	۵۲. متانت و وقار
۱	-	=	-	-	۵۳. خضوع
۱	-	-	-	-	۵۴. زیرک و باهوش
۱	-	=	-	-	۵۵. ترحم بر ناتوان
۱	-	=	-	-	۵۶. شجاعت
۱	-	=	-	-	۵۷. محبت خدا
۱	=	-	-	-	۵۸. کظم غیظ و فرو بردن خشم
۱	=	-	-	-	۵۹. انتظار ظهور امام زمان «عج»
۱	-	-	-	-	۶۰. وضو گرفتن
۱	-	-	-	-	۶۱. همشینی با پرهیزگاران
۱	=	-	-	-	۶۲. دوری از زیاده‌گویی و بیهوده‌گویی
۱	=	-	-	-	۶۳. خوراکشان بخور و نمیر
۱	=	-	-	-	۶۴. میانه‌روی در پوشاک

جمع	شیعه	دین	ایمان	اسلام	مؤلفه‌های سلبی
۴	=	=	=	=	۱. دروغ‌گویی
۴	=	=	=	=	۲. عدم تعقل
۲	-	=	=	-	۳. دل‌بستگی به دنیان
۲	=	=	=	-	۴. ظن و بدگمانی نسبت به مردم
۲	=	-	=	-	۵. نفاق و دورویی
۲	-	=	=	-	۶. حرص و طمع
۲	-	=	=	-	۷. خیانت در امانت
۲	-	=	=	-	۸. حسد ورزیدن
۲	-	-	=	=	۹. سرزنش کردن
۲	=	-	=	-	۱۰. بخل ورزیدن
۲	-	-	=	=	۱۱. فحش و ناسزاگویی
۲	=	-	-	=	۱۲. ظلم و ستم کردن
۱	-	-	=	-	۱۳. ریا و شهرت‌طلبی
۱	=	=	=	-	۱۴. بی‌صبری
۱	-	-	=	-	۱۵. نداشتن شرم و حیا
۱	-	-	=	-	۱۶. حفظ نکردن زبان
۱	-	-	=	-	۱۷. جین و ترسو بودن
۱	-	=	-	-	۱۸. عدم پارسایی
۱	-	=	-	-	۱۹. اسراف کردن
۱	-	=	-	-	۲۰. امر به معروف و نهی از منکر نکردن
۱	-	=	-	-	۲۱. فخر فروشی
۱	=	-	-	-	۲۲. گدایی کردن
۱	=	-	-	-	۲۳. لواط دادن
۱	=	-	-	-	۲۴. نداشتن خوف از خدا در سر و نهان
۱	=	-	-	-	۲۵. عدم پیروی رفتار و کردار انبیاء و ائمه
۱	-	=	-	-	۲۶. شک کردن
۱	-	=	-	-	۲۷. خلف وعده
۱	-	=	-	-	۲۸. پذیرش ولایت ستمگران
۱	=	-	-	-	۲۹. پرده‌برداری
۱	-	-	-	-	۳۰. شرک
۱	-	=	=	-	۳۱. ترک نماز
۱	-	-	-	-	۳۲. درشت‌خویی و خشونت
۱	-	-	=	=	۳۳. عیب‌جویی

مؤلفه‌های سلبی	اسلام	ایمان	دین	شیعه	جمع
۳۴. تکبر و خودپسندی	-	-	=	-	۱
۳۵. بحث و جدال	-	-	-	=	۱
۳۶. آزار و اذیت همسایه	-	-	-	-	۱
۳۷. چاپلوسی	-	=	-	-	۱
۳۸. بیکاری	-	=	-	-	۱
۳۹. خنده زیاد	-	=	-	-	۱
۴۰. شراب‌خواری	-	=	-	-	۱
۴۱. دزدی	-	=	-	-	۱

نتیجه

در نگاه عامیانه معمولاً دین‌داری را در ظاهر افراد و انجام دادن کارهایی فقط عبادی از قبیل نماز خواندن و روزه گرفتن و ذکر و تسبیح گفتن و سفرهای زیارتی رفتن... می‌دانند و اگر کسی به این امور پایبند بود و یا در عزاداری اهل بیت: شرکت کرد، او را دیندار می‌نامند و به تبع آن، جامعه‌ای را در آن مجالس برگزاری دعا و شعائر و جشن‌ها و اعیاد دینی و عزاداری رونق داشته باشد و یا ظواهر دینی به خوبی رعایت شود، آنها را دلیل بر دینداری جامعه می‌دانند. در مقابل، گروه دیگر، فقط انجام کارهای فوق را علامت دینداری نمی‌دانند و معتقدند که در کنار آنها حتی مهم‌تر از آن علامت‌های دینداری، شاخص‌های چون، صدق و راستگویی و امانتداری، حسن همجواری، عدالت و احترام به حقوق دیگران، و عدم تجسس و دخالت در زندگی دیگران... به دور از ریا و تظاهر است.

با توجه به این دو دیدگاه رساله حاضر در تاثیر دیدگاه دوم شواهدی بیان می‌دارد.

۱. با توجه به جدول رتبه‌بندی بر اساس تکرار در سلب و ایجاب شاخصه‌های حوزه زندگی اجتماعی از جمله صدق و راستگویی، عدالت، امانتداری و غیره بالاترین رتبه را نسبت به شاخصه‌های حوزه زندگی فردی به خود اختصاص داده‌اند.

۲. تمام علائمی را که گروه اول با تکیه بر ظاهر افراد برای فرد دیندار بیان می‌کنند، بر خلاف معیارهای گروه دوم، می‌تواند بر دلایل مختلفی از جمله ریا و شهرت‌طلبی و یا از روی عادت صورت بگیرد؛ همچنان که از امام صادق نقل شده است:

لا تغفروا بکثرة صلاتهم و لا بصيامهم، فان الرجل ربما لهج بالصلاة و الصوم حتى لو
ترکه استوحش، و لکن اختبروا عنده صدق الحديث و أداء الأمانة؛^{۶۹}

به نماز خواندن و روزه گرفتن آنها فریب نخورید، زیرا بسا که مرد انس گیرد به نماز و روزه تا آنجا که اثر آن را وانهد به هراس افتد، ولی آنها را بیازمایید به راستگویی و امانت داری.

۶۹. وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۶۷ ح ۲۴۱۶۷.

و در جای دیگر می‌فرماید:

لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده فأنه شیء اعتاده، فلو تركه استوحش و لكن انظروا الی صدق الحدیث و أداء الأمانة؛^{۷۰}

به طول رکوع و سجود مرد، نگاه نکنید، زیرا بدان عادت کرده و اگر آن را وانهد، بهراسد؛ ولی نگاه کنید به راستگویی و امانت داری او.

بنا بر این، شاخص دینداری و متدین بودن به صدق حدیث و راستگویی و شاخصه‌هایی از این گونه است. لذا اگر فردی آش نذری بدهد یا برای اهل بیت عزاداری و گریه کند و یا مردم اطعام دهد و از طرف دیگر دروغ بگوید و یا دزدی بکند یا حيله و نیرنگ به کار ببرد و حقوق دیگران را رعایت نکند، اینها علامت دینداری فرد و به تبع آن دینداری جامعه نیست و اگر فردی نماز بخواند و از سوی دیگر، فحشا و منکرات را مرتکب شود آن فرد دیندار نیست؛ چرا که خداوند متعال و قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ بنا بر این، بازدارندگی از فحشا و منکرات شاخص دینداری است. پس دینداری و دین دار شدن، دارای علایم و نشانه‌هایی دیگری نیز هست. بنا بر این، اگر ما کاری بکنیم که آن حالت ظاهری انجام شود، ولی آن علامت اصل پدید نیاید در امر تحقق دینداری موفق نبوده‌اید. از همین روی، امام صادق می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصَدَقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ؛
خداوند پیامبر را مبعوث نکرد. مگر این که دعوت به راستگویی و ادای امانت به افراد خوب و بد کرده است.

در جای دیگر از جمله علت‌ها مقام و منزلت والای علی نزد پیامبر اکرم را امانت‌دار و راستگویی آن امام همام بیان نموده‌اند:

انظر ما بلغ به علی عند رسول الله فالزمه، فأنّ علیاً أنما بلغ به عند رسول الله
بصدق الحدیث و أداء الأمانة؛^{۷۱}

بنگرید بر آنچه به واسطه آن، علی نزد رسول خدا تقرب یافت و بدان بچسب؛ زیرا علی همانا به مقامی که نزد رسول خدا رسیده است؛ به واسطه راستگویی و امانت‌داری است.

کتابنامه

- الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین عبد‌الرحمان سیوطی، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶.
- الاحتجاج، ابو منصور احمد بن علی طبری، مشهد مقدس: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.

۷۰. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵، ح ۱۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۶۸، ح ۲۴۱۶۸.
۷۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۵.

- اصول الفقه، محمد رضا مظفر، تحقیق: رحمة الله رحمتی اراکی، چاپ دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1423ق.
- الامالی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامی، بی‌جا، 1362ش.
- امالی، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: چاپخانه خیام، 1413.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفا، 1404ق.
- بشارة المصطفی، عماد الدین طبرسی، کتابخانه حیدری، نجف: 1383ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن، فروخ صفار، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404ق.
- تحف العقول، حسن بن شعبة حرانی، قم: انتشارات جامعه المدرسین، 1404ق.
- تفسیر نور الثقلین، عبد بن علی بن جمعه حویزی، چاپ دوم، قم: مطبعة العلمی، بی‌تا.
- تهذیب الاحکام، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، 1365ش.
- جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، قم: انتشارات رضی، 1363ش.
- الخصال، شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، قم: انتشارات جامعه المدرسین، 1403ق.
- روضة الواعظین، فتال نیشابوری، قم: انتشارات رضی، بی‌تا.
- ره‌توشه، پنجاهای پیامبر اکرم به ابو ذر، محمد تقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش: کریم سبحانی، چاپ چهارم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله).
- شرح نهج البلاغه، عبد الحمید ابن ابی الحدید معتزلی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404ق.
- صفات الشیعة، صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، تهران: انتشارات اعلمی، بی‌تا.
- الطرائف، ابن طاووس، حسینی حلی، قم: چاپخانه خیام، 1400ق.
- عده الداعی، ابن فهد حلی، دار الکتب الإسلامی، بی‌جا، بی‌تا.
- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1366ش.
- غیبة النعمانی، محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران: مکتبته الصدوق، 1397ق.
- قاموس قرآن، علی اکبر قرشی، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، 1384ش.
- قرب الاسناد، عبد الله بن جعفر حمیری قمی، تهران: انتشارات کتابخانه نینوی، بی‌تا.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دار الکتب الإسلامی، 1365ش.
- کفایة الأصول، آخوند محمد کاظم خراسانی، تحقیق: شیخ سامی الخفاجی، چاپ اول، قم: دار الحکمة، 1413ق.
- کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، متقی هندی، بی‌جا، بیروت: مؤسسه الرسالة، 1409 ق / 1989م.

- مبانی نظری مقیاس‌های دینی، مسعود آذربایجانی و همکاران، چاپ اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1384ش.
- مجموعه ورام، ورام ابن فراس، قم: انتشارات مکتبه الفقیه، بی‌تا.
- المحکم الأعظم فی اللغة، علی بن اسماعیل بن سیده، بی‌جا، 1380ش.
- مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم: مؤسسه آل‌البتیت، 1408ق.
- مشکاة الأنوار، ابو الفضل طبرسی، نجف: کتابخانه حیدری، 1385ق.
- معجم الوسیط، ابراهیم مصطفی و دیگران، بی‌جا، استانبول: المکتبه الإسلامی، بی‌تا.
- مفردات الفاظ القرآن الکریم، ابو القاسم حسن بن محمد راغب اصفهانی، چاپ سوم، قم: انتشارات ذوی القربی، 1424ق.
- المقنعة، محمد بن محمد بن نعمان، مفید، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، 1413ق.
- وسائل الشیعة، حر عاملی، قم: مؤسسه آل‌البتیت، 1409ق.